

شناسایی و تحلیل ابعاد گرایش به خرافات در حوزه ورزش: رهیافت مبتنی بر نظریه داده بنیاد

محمد صادق افروزه^۱، مریم هادی پور^۲

۱. استادیار مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشگاه جهرم، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، گروه علوم ورزشی، دانشگاه جهرم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۸

چکیده

امروزه پژوهشگران خرافه‌گرایی را به‌عنوان یکی از انحرافات اجتماعی نقد و بررسی کرده‌اند و ورزش نیز به‌عنوان یک پدیده درخور توجه با ماهیت پیش‌بینی‌نشده‌ای از رواج خرافات مصون نبوده است. خرافه‌گرایی یکی از معضلات رایج در ورزش امروزی محسوب می‌شود؛ بنابراین، این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد گرایش به خرافات در ورزش ایران انجام شد. پژوهش حاضر با رویکرد اکتشافی به‌صورت کیفی و روش داده‌بنیاد انجام شد. ابتدا با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای فهرست مقدماتی عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات شناسایی شد و سپس مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از کارشناسان آگاه از موضوع پژوهش اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها از روش استقرای منطقی در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. بعد از مصاحبه با کارشناسان، نتایج در کدگذاری باز نشان‌دهنده شناسایی ۸۳ کد در گرایش به خرافات در ورزش ایران بود. سپس در مرحله کدگذاری محوری، نشان‌ها در ۲۲ مفهوم طبقه‌بندی شدند. درنهایت نیز سه مؤلفه شناسایی شده حاصل از کدگذاری انتخابی شامل مقوله ساختاری، زمینه‌ای و رفتاری طبقه‌بندی شدند. به‌نظر می‌رسد یک راهبرد قطعی برای مقابله با خرافه‌گری در ورزش وجود ندارد و علاوه بر آموزش در هر سه سطح کلان، میانی و خرد، به مکانیسم‌های اجتماعی، ایجاد مطلوبیت و بهره‌گیری از نمادهای غیرخرافی و درنهایت خودسازی‌های روانی و هیجانی ورزشکار نیاز است.

واژگان کلیدی: ساختاری، خرافات، رفتاری، زمینه‌ای، ورزش.

1. Email: Sadegh.afroozeh@jahromu.ac.ir

2. Email: Maryamhadipour.pt@gmail.com

مقدمه

در قرن هیجدهم میلادی عقلانیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها گسترش یافت و قرون نوزدهم و بیستم به قرن خردگرایی تبدیل شدند. اندیشه ابزار کارآمدی است که هر فردی برای مقابله با ناتوانی از آن بهره می‌گیرد و در صورت استفاده نکردن از آن به نیروهای خرافی و فراتر از تصور متوسل می‌شود (حریم‌پناهی، ۲۰۰۲، ۳۷). با توجه به تمایل افراد در مواجهه با رویدادها و تصمیم‌های روزمره، به خرافه‌گرایی به‌عنوان یکی از راهکارها توجه شده است. وجود اعتقادات خرافی در بین مردم جهان و از جمله ایران واقعیتی انکارناپذیر است؛ البته ممکن است برخی از اعتقادات به این دلیل خرافی تلقی شوند که علم هنوز قادر به توضیح‌دادن یا اثبات‌کردن آن‌ها نیست (شاهنوشی، ۲۰۰۹، ۱۰۳). پژوهشگران تعاریف گوناگونی از خرافه را ارائه کرده‌اند؛ از جمله دامیچ^۱، استوبروک و موسویلر^۲ (۲۰۱۰) خرافات را باورهای غیرمنطقی یا روش‌هایی می‌دانند که تصور می‌شود بر نتیجه رویدادها و حوادث تأثیر می‌گذارند. وماک^۳ (۱۹۹۲) در تعریف خرافات به‌عنوان رفتارهای غیرمعمول و تکراری که فرد به‌منظور اعمال اثری مثبت آن را در نظر می‌گیرد، بیان می‌کند که هیچ ارتباط مثبت یا منفی بین آن رفتارها و نتیجه رویدادها وجود ندارد. جاهودا^۴ (۱۹۷۰) بیان می‌کند که خرافه تلاشی برای محدودکردن نبود اطمینان و پیش‌بینی پیامدهای محتمل از طریق جادو یا دستورات و کارهایی است که توان کاهش تنش دارند؛ این در حالی است که فوستر و کوکو^۵ (۲۰۰۸) خرافات را انواع گسترده‌ای از باورها و رفتارها می‌دانند که برمبنای برخی فرایندهای نادرست علت و معلولی ناشی از جهل، ترس از ناشناخته‌ها، اعتماد به سحر و جادو یا شانس یا برداشتی نادرست به‌قوع می‌پیوندند. گرایش به خرافات می‌تواند علل گوناگونی باشد؛ از جمله اینکه ریشه‌های خرافات می‌تواند در ترس‌هایی باشد که انسان‌ها به‌صورت فردی و جمعی آن‌ها را تجربه می‌کنند. ترس از نیروهای توصیف‌نشده و پیش‌بینی‌نشده‌ی محیط پیرامون انسان، خود را در قالب باورهای خرافی نمایان می‌کند (مکارتنی^۶، ۱۹۵۲، ۷۴). برخی پژوهشگران معتقدند که رفتارهای خرافی نوعی احساس کنترل غیرواقعی حوادث آینده به فرد می‌دهند و در واقع عوامل استرس‌زا به تلاش فرد برای به‌دست‌گرفتن کنترل اوضاع از طریق توسل به خرافات در مواجهه با اضطراب‌های موجود منجر می‌شوند (ویلسون، گریو، استروسکی، مینالتوسکی و کی یر^۶، ۲۰۱۳، ۴۲۰).

-
1. Damisch
 2. Womack
 3. Jahoda
 4. Foster & Kokko
 5. McCartney
 6. Wilson, Grieve, Ostrowski, Mienaltowski & Cyr

خرافات در نتیجه اطمینان نداشتن به رویدادهای تصادفی یا کنترل نشدنی پدید می‌آید و ورزش نیز به‌عنوان یکی از پدیده‌های گسترده پیش‌بینی‌نشده از رواج خرافات مصون نبوده است و خرافات یکی از معضلات رایج در آن محسوب می‌شود. خرافه در ورزش به اعمالی گفته می‌شود که تکراری، منظم، متوالی و دور از عملکرد تکنیکی باشند. رفتارهای خرافی در ورزش آن قدر متداول شده‌اند که بسیاری از رسانه‌ها درباره آن‌ها بحث و بررسی کرده‌اند (بلک و فردریک^۱، ۱۹۹۸)؛ البته باید توجه داشت که بین خرافات و عقاید مذهبی مرز باریکی وجود دارد؛ چنانچه مارانیس^۲ (۲۰۱۳) در پژوهش خود نشان داد که ورزشکاران از مراسم‌های مذهبی به مراتب بیشتر از خرافات بهره می‌برند. بروچ و کریستین^۳ (۲۰۱۴) نیز باورها، اعتقادات و ارزش‌های مذهبی ورزشکاران را به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با اضطراب‌های ناشی از حضور در مسابقات ورزشی دانستند. بیشتر ورزشکاران گرایش به خرافات را امری ناپسند می‌دانند؛ چنانچه از دیدگاه زیوانویک، راندلویک و ساویک^۴ (۲۰۱۲)، بیشتر ورزشکاران معتقد به خرافات به بحث درباره آن در ملاعام تمایل ندارند. اعتقاد به خرافات می‌تواند به شکل‌های گوناگون بروز کند؛ چنانچه درباره انواع باورهای خرافی وان^۵ و همکاران (۲۰۱۳) دریافتند که خرافات در پوشاک برجسته‌ترین نوع خرافات است و دیگر خرافات برجسته شامل تولید آوا، مصرف مواد غذایی، نوشیدنی، مشاهده یا مشاهده‌نکردن فعالیت‌های خاص، حلقه‌های شانس و آداب خرافی است. همچنین رفتارهای خرافی به‌عنوان یکی از محبوب‌ترین راهبردهای استفاده‌شده توسط ورزشکاران برای مبارزه با استرس با ورزش مرتبط است؛ چنانچه بسیاری از ورزشکاران معتقدند استفاده از یک برنامه خاص از جمله خوردن غذاهای مشابه روزانه به آن‌ها در داشتن تمرکز و آرامش قبل و در حین مسابقه کمک کرده است (مگیار و چاس^۶، ۱۹۹۶، ۴). دامیچ و همکاران (۲۰۱۰) اذعان کرده‌اند وجود رفتار و افکار خرافی در برخی موقعیت‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد ورزشکار منجر شود؛ هرچند جاجمن و کالدول^۷ (۲۰۱۴) بیان کرده‌اند اثر مثبت و منفی خرافات بر عملکرد در یافته‌های پژوهش‌های مختلف تناقض زیادی دارد که آن‌ها را ناشی از عوامل گوناگون می‌دانند. یکی از عوامل مهم گرایش به خرافات در ورزش، پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آن است؛ چنانچه در موقعیت‌های ورزشی گاهی شانس بیشتر از مهارت نقش دارد (لانگر و روس^۸، ۱۹۷۵، ۹۵۰؛ لانگر^۹،

-
1. Bleak & Frederick
 2. Maranise
 3. Broch & Kristiansen
 4. Živanović, Randelović & Savić
 5. Wann
 6. Magyar & Chase
 7. Jageman & Caldwell
 8. Langer & Roth
 9. Langer

۱۹۷۷، ۱۹۰). همچنین به‌طور طبیعی رقابت‌های ورزشی دربردارنده بی‌اطمینانی زیادی هستند و اعمال خرافی ممکن است به ورزشکاران کمک کنند که تاحدی از اضطراب ناشی از نتیجه پیش-بینی‌ناپذیر بکاهند و کنترل اندکی بر وضعیت خود داشته باشند (بیکر^۱، ۱۹۷۵، ۱۵۰). این ورزشکاران هستند که با بازی خود نتیجه رقابت را تعیین می‌کنند، اما اضطراب و نبود اطمینان سبب می‌شود طرفداران بدون در نظر گرفتن این واقعیت رفتارهای خرافی خاصی را برای کنترل نتیجه انجام دهند (ویلسون و همکاران، ۲۰۱۳، ۴۵۰). همچنین فضای ورزشی ممکن است کنترل‌نشده باشد و باعث افزایش اضطراب در ورزشکاران، مربیان و تماشاچیان شود که توسل به خرافات راهی برای کاهش این اضطراب در نظر گرفته می‌شود (ماتیوت^۲، ۱۹۹۴، ۲۱۶). از عوامل دیگر گرایش به خرافات می‌توان به نتایج پژوهش برگر^۳ (۲۰۱۲) اشاره کرد که بیشتر رفتارهای خرافی را نتیجه یادگیری از یک منبع معتبر و درخور اعتماد نظیر والدین، دوستان یا رسانه‌ها دانسته است. همچنین زارع و حیدری‌نژاد (۲۰۱۸) به نقش رسانه‌ها در زمینه خرافات اذعان کرده‌اند و بیان کرده‌اند که با افزایش نقش رسانه‌های جمعی رفتارهای خرافی در ابعاد عمل و باور کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، زارع، زارع و عمادی (۲۰۱۷) در بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به خرافات در بین بازیکنان فوتبال ایران، احساس نبود اطمینان از بازی، اهمیت نتایج بازی و اضطراب قبل از بازی را با گرایش به خرافات مرتبط می‌دانند. همچنانکه پیش از آن، اسپچپر و لانگ^۴ (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود نبود اطمینان و اهمیت داشتن بازی را از دلایل مهم برشمرده‌اند. هامرمن و موروج^۵ (۲۰۱۵) بیان کردند، زمانی که هدف‌های عملکردی مانند نتیجه بازی از هدف یادگیری مهم‌تر باشد، اطمینان نداشتن از دستیابی به نتیجه باعث بروز رفتارهای خرافی می‌شود؛ این در حالی است که دموتورو، رویبرگن و سابو^۶ (۲۰۱۶) بیان کردند که اهمیت رقابت، سطح نبود قطعیت، عوامل فرهنگی، سطح آموزش و جنسیت، تأثیر زیادی بر رفتارهای خرافی در ورزش دارند. آن‌ها معتقدند که رفتارهای خرافی با توجه به نوع ورزش، ورزشکاران و نقش ورزشی متفاوت است. درباره اهمیت رقابت، بریورز، دن، نویل و نیلز^۷ (۲۰۱۱) نیز دریافتند که در سطوح رقابتی بالاتر بروز چنین رفتارهایی بیشتر مشهود است. گروهی از پژوهشگران نیز عوامل اجتماعی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی را در گرایش به پدیده خرافات مؤثر می‌دانند؛ چنانچه از بعد اجتماعی، عزیزخانی،

-
1. Becker
 2. Matute
 3. Berger
 4. Schippers & lange
 5. Hamerman & Morewedge
 6. Dömötör, Ruíz-Barquín & Szabo
 7. Brevers, Dan, NoeL & Nils

ابراهیمی و آبتین (۲۰۱۶) بیان کرده‌اند که بین نوگرایی و گرایش به خرافات رابطه معکوس و معنادار وجود دارد و میانگین گرایش به خرافات در بین شاغلان به‌طور معناداری بیشتر از افراد غیرشاغل است. صفایی، طیبی و عرفانی (۲۰۱۰) از بعد جامعه‌شناختی به بررسی عوامل مرتبط با خرافات پرداختند و به این نتیجه رسیدند که با احساس نابرابری و ازخودبیگانگی، گرایش به خرافات بیشتر می‌شود. همچنین مشاغل فکری و فارس‌زبانان گرایش کمتری به خرافات دارند و مشاغل کشاورزی و کردزبانان و لرزبانان گرایش بیشتری به خرافات دارند. از جنبه روان‌شناسی، ویلسون و همکاران (۲۰۱۳) اذعان کردند طرفدارانی که سطح بالایی از استرس و بی‌اطمینانی را تجربه می‌کنند، ممکن است به میزان بیشتری در رفتارهای خرافی مشارکت داشته باشند؛ چنانچه در تأیید این مطلب بریور و همکاران (۲۰۱۱) نیز رابطه استرس را با رفتارهای خرافی مثبت دانستند. هامرمن و جوهر^۱ (۲۰۱۳) نیز بیان کردند که در مواقع نبود اطمینان از نتایج مسابقات در رویدادهای ورزشی رفتارهای خرافی بیشتر پدیدار می‌شوند. دویر، اسلاویچ و گلاک^۲ (۲۰۱۸) ذکر کردند که هواداران در ورزش نیز ممکن است از خرافات به‌عنوان وسیله‌ای برای کنترل تعصبات خود استفاده کنند. آن‌ها یکی دیگر از عوامل روان‌شناسی مؤثر در رفتارهای خرافی را وفاداری ذکر کردند که با تأثیر بر احساسات هواداران تیم‌های ورزشی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایجاد این گونه رفتارها مؤثرند. همچنین برخی پژوهشگران باورهای خرافی را به دو گروه باورهای مثبت و منفی تقسیم کرده‌اند؛ چنانچه اوفری، تود و لیوالی^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین کنترل شخصی، مکانیسم مقابله، کنترل اولیه، کنترل ثانویه و باورهای خرافی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که کنترل شخصی، مکانیسم مقابله و راهبردهای کنترل در پیش‌بینی باورهای خرافی منفی و مثبت مؤثرند. همچنین خرافات گاهی با نوع ورزش مرتبط است؛ چنانچه پژوهش فلنگان^۴ (۲۰۱۳) نشان داد که شرکت‌کنندگان در ورزش‌های گروهی بیشتر از ورزش‌های انفرادی دارای رفتارهای خرافی هستند. همچنین پرکوز، بارکوکیز و کریستوپولوس^۵ (۲۰۱۳) درباره تفاوت جنسیتی و رفتارهای گوناگون در ورزش نشان دادند که ممکن است زنان رفتارهای خرافی بیشتری در مقایسه با مردان از خود بروز دهند.

با توجه به گسترش باورهای خرافی و آثار سوء آن‌ها بر ورزشکاران و تیم‌های حرفه‌ای، اهمیت پژوهش در زمینه علل دیگر گرایش به این گونه رفتارها انکارناپذیر است. در سال‌های اخیر روند روبه‌رشدی به‌صورت پنهان و گاهی به‌صورت رسانه‌ای درباره رواج خرافات در ورزش شروع شده

-
1. Hamerman & Johar
 2. Dwyer, Slavich & Gellock
 3. Ofori, Tod & Lavalley
 4. Flanagan
 5. Perkos, Barkoukis & Christopoulos

است که ریشه‌یابی نکردن آن می‌تواند به توسعه و رواج آن منجر شود. از طرفی تاکنون پژوهشگران پژوهش جامعی درباره علل رواج خرافه‌گری در حوزه ورزش انجام نداده‌اند و بررسی علمی نکردن این موضوع ورزش را در آینده با بحران روبه‌رو خواهد کرد. همچنین با توجه به فرهنگ ایرانی و سابقه تمایل به خرافات در بطن جامعه، پژوهش در این حوزه ضروری‌تر جلوه می‌کند. مسلم است با شناخت این دلایل می‌توان راهکارهای گوناگونی را برای کاهش این پدیده اتخاذ کرد. این پژوهش می‌تواند حاوی اطلاعات مفیدی برای مربیان و روان‌شناسان ورزشی باشد تا هنگام برنامه‌ریزی فعالیت‌های گروهی و مقابله با انتظارات ورزشکاران همه جوانب را در نظر بگیرند. به‌علاوه، از آنجاکه رفتارهای خرافی بر عملکرد ورزشی ورزشکاران مؤثرند (بورک و کریستنسن^۱، ۲۰۰۶)، به‌منظور بهبود وضعیت ورزشکاران ایرانی در مسابقات داخلی و خارجی، یافته‌های این پژوهش و شناسایی دلایل گرایش ورزشکاران به پدیده خرافات می‌تواند به ارتقای ورزش و باشگاه کمک کند؛ بنابراین، در این پژوهش سعی بر آن است با شناسایی علل مرتبط با گرایش به خرافات در ورزش کشور، به شناخت بیشتر این پدیده و مقابله با آن پرداخته شود.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع راهبرد، کیفی است که به روش نظریه داده‌بنیاد انجام شده است. در این پژوهش در تحلیل داده‌ها از رهیافت ظاهرشونده^۲ گلیزر (۱۹۹۲) بهره گرفته شد. پژوهش کیفی برای درک و تبیین پدیده‌های اجتماعی از داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مستندات، مشاهده‌ها و غیره استفاده می‌کند. در مرحله اول پژوهش با مطالعه پیشینه پژوهش و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، فهرست مقدماتی شاخص‌های پیش‌بین شناسایی شد. فهرست مقدماتی به‌عنوان سؤال‌های مصاحبه و ابزار اولیه جمع‌آوری داده‌ها مدنظر قرار گرفت. سپس راهنمای مصاحبه تدوین شد و پژوهشگر قبل از مصاحبه با هریک از نخبگان آگاه از موضوع پژوهش راهنمای مصاحبه را برای آن‌ها ارسال کرد. در مرحله بعد مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساختارمند با ۱۵ نفر از نخبگان آگاه از موضوع پژوهش اجرا شد. در این مطالعه نمونه‌گیری به‌صورت نظری بود که نوعی طرح نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند است که در پژوهش‌های کیفی از آن استفاده می‌شود. اجرای مصاحبه‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت. اشباع نظری یعنی دیگر داده‌ها به‌گونه‌ای نیست که طبقات جدید و متفاوتی را ایجاد کند یا به ویژگی‌های طبقات موجود بیفزاید. در این حالت داده‌های اضافی به تکمیل و مشخص کردن مقوله دیگری کمک نمی‌کنند و از آن پس نمونه‌ها مشابه به‌نظر می‌رسند. مصاحبه‌شوندگان شامل ورزشکاران، کارشناسان مذهبی، مدیران باشگاه‌های ورزشی، روان‌شناسان

1. Broch & Kristiansen
2. Emergent

ورزشی، جامعه‌شناسان و اعضای هیئت‌علمی رشته مدیریت ورزشی به‌ویژه افراد آشنا با موضوع پژوهش بودند. پس از اجرای مصاحبه، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش زمینه‌محور^۱ انجام شد؛ به این صورت که پس از اجرا و ویرایش مصاحبه‌ها، نظریات گوناگون در گروه‌های مفهومی یکسان، کدگذاری و طبقه‌بندی شدند و سپس به‌صورت کیفی تحلیل شدند. کدگذاری در این پژوهش به‌صورت باز و محوری و انتخابی انجام شد. درنهایت پس از مرحله باز و محوری، مقوله‌ها مطابق مدل سه‌شاخگی طبقه بندی شدند. اهرنجانی این مدل را پیشنهاد کرده است که در ابتدا برای سازمان‌ها طراحی شد و علت نام‌گذاری آن ارتباط بین عوامل رفتاری، زمینه‌ای و ساختاری است؛ به‌گونه‌ای که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد و در نتیجه یکی از مدل‌های شناسایی حل مشکل است که این رویکرد امروزه در پدیده‌های اجتماعی چنانچه مفاهیم را گسترده‌تر فرض کنیم نیز می‌تواند استفاده شود، اما از آنجاکه در عرصه علوم انسانی طول زمان اصلاح‌شدنی و تعدیل‌شدنی است، پژوهشگران کیفی به‌جای واژه‌های «اعتبار» و «روایی» از واژه‌های دیگر مانند قابلیت انتقال، تأییدپذیری و مقبولیت استفاده می‌کنند (پیتنی و پارکر^۲، ۲۰۰۹). پژوهشگران سعی کردند جهت احراز مقبولیت پژوهش، افراد نمونه را از طیف‌های متنوع کارشناسان مذهبی، روان‌شناسی، مدیران و متخصصان ورزش انتخاب کنند و جهت قابلیت انتقال پژوهش، به مرور متعدد مصاحبه‌ها و استخراج حداکثری و غیر تکراری مطالب پردازند. همچنین سعی شد با توجه به تخصص و جایگاه سازمانی هریک از مصاحبه‌شوندگان و لحاظ کردن این موضوع در انتخاب آن‌ها، احتمال انتقال مفاهیم به سایر محیط‌ها افزایش داده شود. برای تأییدپذیری نتایج، پژوهشگر تمام روند پژوهش را مکتوب کرد و مصاحبه‌های اجازه‌دار را با دستگاه ضبط صدا حفظ کرد و همچنین به‌صورت نوشتاری نکات مهم مکتوب شد. همچنین در پژوهش حاضر از روش توافق درون‌موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌های انجام‌شده استفاده شده است. برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از یک عضو هیئت‌علمی رشته مدیریت ورزشی درخواست شد تا به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند. آموزش‌ها و تکنیک‌های لازم برای کدگذاری مصاحبه‌ها به وی انتقال داده شد. در هرکدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در نظر دو نفر مشابه هم بودند، با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص شدند. سپس پژوهشگر به‌همراه این همکار پژوهش، تعداد سه مصاحبه را کدگذاری کرد و درصد توافق درون‌موضوعی که ۸۵ درصد بود، به‌دست آمد.

1. Field Oriented
2. Pitney & Parker

نتایج

بعد از مصاحبه با کارشناسان، نشان‌های علل گرایش به خرافات در ورزشکاران ایرانی حاصل از مصاحبه و مبانی نظری با کدگذاری اولیه شناسایی شدند که بعد از حذف نشان‌های غیرمرتبط یا مشابه، در نهایت ۸۳ نشان تأیید شد. سپس این نشان‌ها در ۲۲ مقوله طبقه‌بندی شدند که در جدول‌های شماره یک تا شماره سه گزارش شده‌اند.

جدول ۱- نشان‌ها و مفاهیم علل سوق به خرافات در ورزشکاران (کدگذاری باز و محوری)

Table 1- Cods and Concepts of Causes of Superstition in Athletes (Open and Axial Coding)

مقوله	نشان‌ها
نبود قطعیت	۱. پیش‌بینی ناپذیر بودن مسابقه و رویدادهای ورزشی
	۲. کنترل ناپذیر بودن اتفاقات در ورزش‌های قهرمانی
	۳. فضای ناپایدار مسابقات ورزشی
اهمیت	۴. میزان اهمیت نتیجه مسابقات برای ورزشکاران
	۵. اهمیت برد یا باخت برای تیم یا باشگاه
	۶. اهمیت نتیجه مسابقه برای کشور
ضعف ورزشکار	۷. وجود مشاوران غیرعلمی برای ورزشکار
	۸. گرایش به تقلب به منظور پیروزی در مسابقه
	۹. آماده نبودن ورزشکار در روز مسابقه
هواداران	۱۰. میزان اهمیت نتیجه مسابقات برای هواداران
	۱۱. میزان احساسات هواداران
	۱۲. میزان و سطح وفاداری هواداران
ویژگی‌های روانی	۱۳. تعداد زیاد یا کم هواداران
	۱۴. نداشتن کنترل شخصی روی رفتار خود
	۱۵. اضطراب ورزشکاران و هواداران
	۱۶. بدگمانی به رقیب یا داوران
	۱۷. میل شدید ورزشکار به موفقیت
	۱۸. کمبود اعتماد به نفس در مواجهه با مسابقه‌های پیش رو
	۱۹. احساس نابرابری در تیم
علاقه	۲۰. میزان وفاداری به تیم
	۲۱. میزان تعصب به تیم‌های خود

ادامه جدول ۱- نشان‌ها و مفاهیم علل سوق به خرافات در ورزشکاران (کدگذاری باز و محوری)
**The Rest of the Table 1- Cods and Concepts of Causes of Superstition in Athletes
 (Open and Axial Coding)**

مقوله	نشان‌ها
جامعه پیرامون	۲۲. باورهای منطقه جغرافیایی
	۲۳. سنتی بودن افکار و سبک زندگی
	۲۴. گرایش‌های قومی
	۲۵. وجود نابرابری در فرصت‌های اجتماعی
	۲۶. محرومیت‌های اجتماعی
	۲۷. قدمت تاریخی سرزمین ایران
موقعیت ورزشکار	۲۸. میزان شاخص بودن ورزشکار
	۲۹. میزان محبوبیت رسانه‌ای
	۳۰. فرهنگ عمومی جامعه
دموگرافی	۳۱. جنسیت، ورزشکار را به سوی خرافه‌گرایی سوق می‌دهد.
	۳۲. با افزایش سن تمایل به خرافات کمتر می‌شود.
	۳۳. شغل هواداران و پایگاه اجتماعی آن‌ها ورزشکار را به خرافه‌گرایی ترغیب می‌کنند.
	۳۴. دوستان خرافی ورزشکار را به سوی خرافات سوق می‌دهند.
	۳۵. درآمد ورزشکار و پایگاه اقتصادی وی
ترس‌ها	۳۶. ترس از شکست در ورزش
	۳۷. ترس از هوشدن توسط هواداران
	۳۸. ترس از کاهش محبوبیت در بین افراد جامعه
	۳۹. ترس از ناشناخته‌ها که ورزشکار از آن‌ها اطلاع ندارد.
تهدید	۴۰. تهدید هواداران باشگاه یا ورزشکار
	۴۱. تهدید باشگاه‌ها یا ورزشکاران رقیب
	۴۲. تهدید مربیان خود ورزشکار
عادات	۴۳. عادت داشتن به استفاده از خرافه در ورزش
	۴۴. عادت داشتن به نوع رفتار یا عمل خاصی در طول زندگی
	۴۵. اعتماد به نیروهای ماوراءالطبیعه
آگاهی	۴۶. سطح سواد ورزشکار یا مربیان
	۴۷. کمبود علم و آگاهی از قوانین طبیعی
	۴۸. نوع برداشت از رویدادهای طبیعی
	۴۹. اعتقاد به سحر و جادو

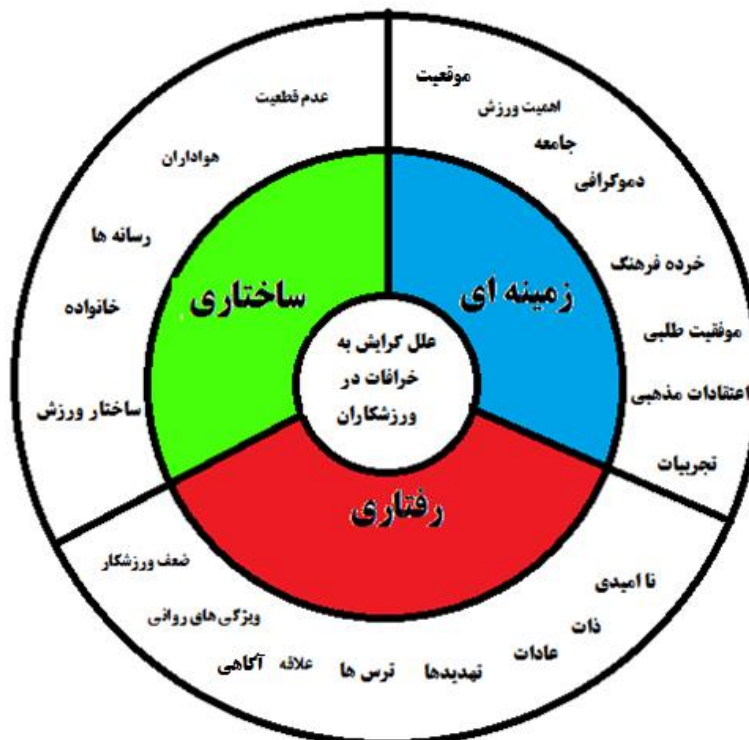
ادامه جدول ۱- نشان‌ها و مفاهیم علل سوق به خرافات در ورزشکاران (کدگذاری باز و محوری)
**The Rest of the Table 1- Cods and Concepts of Causes of Superstition in Athletes
 (Open and Axial Coding)**

مقوله	نشان‌ها
ذات	۵۰. تمایل ذاتی ورزشکار به دوری از ضرر
	۵۱. تمایل به جذب منفعت از جامعه و قوانین طبیعی
	۵۲. وجود تردیدهای فراوان در ورزشکار
خرده‌فرهنگ	۵۳. رواج تقلیدهای کورکورانه برای جذب موفقیت
	۵۴. رواج تقدیرگرایی در جامعه و محیط پیرامونی
	۵۵. تلاش ورزشکار برای رواج فرهنگ خرافی جامعه خود
	۵۶. قومیت‌های گوناگون از خرافات بهره‌های متفاوت می‌برند.
جذب موفقیت	۵۷. تلاش برای ایجاد امنیت روانی در تیم یا باشگاه
	۵۸. تلاش برای نفوذ در قلب هوادار یا مربی
	۵۹. تلاش برای ایجاد شانس در مسابقه
ناامیدی	۶۰. وجود ناامیدی در طول مسابقه
	۶۱. بی‌ارادگی و وادادگی ورزشکار در نتیجه اتفاق‌ها
	۶۲. پیش‌داوری درباره سطح مسابقه یا رقیب
	۶۳. اعتقادداشتن به مشیت الهی
اعتقادات مذهبی	۶۴. میزان دینداری ورزشکار
	۶۵. نوگرا بودن یا سنتی بودن ورزشکار
	۶۶. نوع مذهب ورزشکار
	۶۷. میزان پایبندی به اعتقادات رایج
تجربه	۶۸. عوامل ذهنی بر گرایش به خرافات در ورزشکاران مؤثرند.
	۶۹. تجربیات قبلی ورزشکار
	۷۰. تجربیات دیده‌شده یا شنیده‌شده ورزشکار
رسانه	۷۱. تجربه‌های ناخواسته در حین مسابقه یا قبل از آن
	۷۲. نشر موارد خرافی رسانه‌های جمعی ورزشی و غیرورزشی
	۷۳. واکاوی‌نشدن خرافه‌های ورزشی
	۷۴. اذعان رسانه‌ها به استفاده از جادوگر در تیم‌ها
خانواده	۷۵. بسط غیرکارشناسی مباحث ماورایی در ورزش
	۷۶. والدین خرافه‌گرا این حس را به فرزند خود انتقال داده‌اند.
	۷۷. استفاده خواهر یا برادر از خرافات
	۷۸. استفاده از وسایل خرافی در منزل ورزشکاران
	۷۹. تأکید اعضای خانواده به خرافات

ادامه جدول ۱- نشان‌ها و مفاهیم علل سوق به خرافات در ورزشکاران (کدگذاری باز و محوری)
**The Rest of the Table 1- Cods and Concepts of Causes of Superstition in Athletes
 (Open and Axial Coding)**

مقوله	نشان‌ها
ساختار ورزش	۸۰. ورزش‌های جدید یا باستانی
	۸۱. انفرادی یا گروهی بودن ورزش
	۸۲. ورزش‌های وابسته به شانس
	۸۳. وجود جو خرافه‌گرایی در سطح باشگاه

بعد از کدگذاری باز و محوری، در مرحله بعد به کدگذاری گزینشی پرداخته شد. از آنجاکه یکی از بهترین طبقه‌بندی پدیده‌ها مدل سه‌شاخگی است و به دلیل تطابق مفاهیم شناسایی شده در کدگذاری گزینشی، از سه محور زمینه‌ای، ساختاری و رفتاری استفاده شد که پنج عضو هیئت‌علمی مفاهیم را به این سه محور طبقه‌بندی کردند.



شکل ۱- کدگذاری گزینشی علل گرایش به خرافات در ورزشکاران
Figure 1- Selective Coding of The Causes of Superstition in Athletes

همان‌طور که در شکل شماره یک مشاهده می‌شود، مقوله‌های آگاهی، ناامیدی، ذات، عادات، تهدیدها، ترس‌ها، علاقه، ویژگی‌های روانی و ضعف ورزشکار در مفهوم رفتاری از مدل سه‌شاخگی طبقه‌بندی شدند. همچنین مقوله‌های تجربیات، اعتقادات مذهبی، موفقیت‌طلبی، خرده‌فرهنگ، دموگرافی، جامعه، موقعیت ورزشکار و اهمیت ورزش در مفهوم زمینه‌ای طبقه‌بندی شد. در نهایت، پنج مقوله ساختار ورزش، خانواده، رسانه‌ها، هواداران و عدم قطعیت در مفهوم ساختاری گنجانده شدند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مصاحبه ۸۳ نشان شناسایی شد که در قالب ۲۲ مقوله طبقه شد. این مقولات در کدگذاری گزینشی و با کمک مدل سه‌شاخگی در سه مفهوم ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای طبقه‌بندی شدند. مفهوم زمینه‌ای نیز شامل مقولات محیطی است که به صورت مقولات اهمیت ورزش، جامعه، دموگرافی، خرده‌فرهنگ، موفقیت‌طلبی، اعتقادات مذهبی و تجربیات شناسایی شدند.

در این پژوهش، میزان اهمیت ورزش به‌خوبی تأثیر خود را بر گرایش به خرافات نشان داد که با نتایج پژوهش‌های ماتیوت (۱۹۹۴)، وایس^۱ (۱۹۹۷)، اسچیپر و مک‌لانگ^۲ (۲۰۰۶)، دموتورو و همکاران (۲۰۱۶) و مالینوسکی^۳ (۱۹۵۵) همخوانی داشت. وایس (۱۹۹۷) اذعان داشت که میزان اهمیت نتایج باعث ایجاد تنش روانی و روی آوردن به خرافات می‌شود؛ چراکه تنش‌ها گاهی به تصمیم‌گیری‌های نادرست منجر می‌شوند و گاهی فرد را به استیصال می‌کشانند؛ بنابراین، یکی از راهبردهای جلوگیری از گرایش به خرافات می‌تواند آموزش بحران، روش‌های تصمیم‌گیری در وضعیت سخت و القای ورزش به‌عنوان ابزار و نه وسیله باشد.

از دیگر مقولات شناسایی شده دینداری یا مذهب‌گرایی است که با نتایج پژوهش‌های تالبورن و هنسلی^۴ (۲۰۰۱)، پلتزر^۵ (۲۰۰۲)، اروین^۶ (۱۹۸۵) همخوانی دارد همان‌طور که همه آن‌ها عنوان کرده‌اند، هرچه دینداری بیشتر باشد، گرایش به خرافات بیشتر است؛ البته برداشت از دین و مذهب می‌تواند برای برخی افراد کم‌آگاه از دین گاهی در حکم خرافه‌گرایی باشد که این امر به پیچیدگی موضوع می‌انجامد. باید اذعان کرد که گاهی ورزشکاران از ارزش‌های مذهبی برای مقابله با

-
1. Vyse
 2. Schippers & Van Lange
 3. Malinowski
 4. Thalbourne & Hensley
 5. Peltzer
 6. Irwin

اضطراب‌های ناشی از حضور در مسابقات ورزشی بهره می‌گیرند (بروچ و کریستین، ۲۰۱۴) و حتی گاهی طبق نتایج پژوهش زوان، زنیک، سکولیک، کوبال و لسنیک^۱ (۲۰۱۷) مذهب باعث کاهش استفاده بسیاری از ورزشکاران از دوپینگ می‌شود؛ پس به راحتی نمی‌توان مذهب را عاملی برای گرایش به خرافات دانست. علاوه بر این، حتی براساس نتایج پژوهش‌ها دینداری عامل کاهش افسردگی در موقعیت‌های سخت است (استورچ، استورچ، ویلش و اوکان^۲، ۲۰۰۲) که خود دلیل دیگری است که دینداری و مذهب‌گرایی برای ورزشکاران مزایای دارد و به خصوص این موارد در ایران نیز به خوبی نمود دارد؛ چنانچه دستوم، افروزه، جوکار و افروزه (۲۰۱۷) نیز به تأثیر مستقیم معنویت و نیایش بر تعهد اخلاق ورزشکاران صحه گذاشته‌اند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در محیط‌های ورزشی به‌اشتباه خرافه‌پرستی به جای دینداری وجود دارد و احتمالاً تمایز این دو مقوله نتوانسته است درک شود که این موضوع می‌تواند در دو قسمت بحث شود: بحث اول به شناخت صحیح از دین مرتبط است و بحث دوم به شناخت دیگران به ابعاد و اعمال یک دین برمی‌گردد که به‌طور حتم با خرافه‌پرستی منافات دارد.

دموگرافی اگر با مؤلفه‌هایی از جمله جنس، شغل دوم و درآمد در نظر گرفته شود، به‌عنوان یکی از مقولاتی است که بسیاری از پژوهشگران درباره آن بحث کرده‌اند و با مطالعات آن‌ها همسوست؛ از جمله سپهر (۱۹۹۷)، مونیکوت (۱۹۹۸)، پلتزر و رنر^۳ (۲۰۰۱)، گریفتس و بینگهام^۴ (۲۰۰۵) و صفایی، طیبی‌نیا و عرفانی (۲۰۱۰)، هرکدام برخی مؤلفه‌های دموگرافی فرد را با گرایش یا ظرفیت گرایش به خرافات تأیید کرده‌اند. در واقع، پایگاه اجتماعی در نتیجه ظرفیت‌های دموگرافی می‌تواند تأثیرات شگرفی بر روش تصمیم‌گیری‌های افراد بگذارد؛ چنانچه صفایی و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی جامعه‌شناختی خرافات به تأثیر جنسیت اشاره کرده‌اند و زنان را خرافی‌تر از مردان دانسته‌اند. دموتورو و همکاران (۲۰۱۶) و پرکوز^۵ و همکاران (۲۰۱۳) نیز به نقش جنسیت ورزشکاران در میل به خرافات اشاره داشته‌اند؛ البته نتایج این پژوهش با مطالعه مونیکوت (۱۹۹۸) همخوانی ندارد. به عقیده وی، بین جنس و گرایش به خرافات ارتباط وجود ندارد. همچنین برخی از پژوهشگران مانند سپهر (۱۹۹۷)، گریفتس و بینگهام (۲۰۰۵) و صفایی و همکاران (۲۰۱۰) به ارتباط سن و گرایش به خرافات اشاره داشته‌اند و افزایش سن را در گرایش به آن مؤثر دانسته‌اند؛ در حالی که مونیکوت (۱۹۹۸) گرایش به خرافات را در نوجوانان بیشتر رایج دانسته است و پلتزر و

-
1. Zvan, Zenic, Sekulic, Cubela & Lesnik
 2. Storch, Storch, Welsh & Okun
 3. Peltzer & Renner
 4. Griffiths & Bingham
 5. Perkos

رنر (۲۰۰۱) اذعان داشته‌اند که بین سن و گرایش به خرافات ارتباط وجود ندارد. علاوه‌براین، نتایج نشان داد که درآمد ورزشکار بر میزان گرایش وی به خرافات مؤثر است که با نتایج پژوهش فروغی و عسگری‌مقدم (۲۰۰۹) همخوانی دارد و با نتایج پژوهش عظیم‌زاده (۱۹۹۹) همخوانی ندارد؛ چراکه به زعم عظیم‌زاده کشور انگستان با وجود شهروندان متمول دارای بیشترین خرافه در بین کشورهای اروپایی است. به‌نظر می‌رسد ویژگی‌های شخصیتی هر شخص به‌عنوان کاتالیزور میل به خرافات عمل می‌کند که گاهی خارج از مدیریت فرد است که این امر جز با آموزش مستمر نمی‌تواند بهبود یابد.

جامعه و در ذیل آن خرده‌فرهنگ نیز در این پژوهش جزو موارد شناسایی‌شده مؤثر در گرایش به خرافات است. اگر قومیت را جزو خرده‌فرهنگ‌ها در نظر بگیریم، این امر با نتایج پژوهش بوخاری^۱ و همکاران (۲۰۰۲) ناهمخوان است؛ زیرا، آن‌ها اشاره کرده‌اند که بین قومیت‌های گوناگون تفاوتی در میزان خرافات وجود ندارد؛ هرچند صفایی و همکاران (۲۰۱۰) دربارهٔ میزان خرافات در قومیت‌های ایرانی برخی از قومیت‌ها را دارای تمایل بیشتر به خرافات دانسته‌اند. به‌نظر می‌رسد باشگاه‌ها باید دربارهٔ بهره‌گیری از ورزشکاران از قومیت‌ها علاوه‌بر دقت به مسائل هواداری به فرهنگ خرافی آن‌ها نیز توجه داشته باشند تا گاهی به ورزشکاران دیگر و بدنهٔ باشگاه تسری نیابد.

از دیگر مقولات شناسایی‌شده، موفقیت‌طلبی و نیز تجربیات موفق گرایش به خرافات است. که با نتایج لانگر (۱۹۷۷) همسو است. آن‌ها با اذعان به تأثیر حس و میل به موفقیت بر میزان گرایش به خرافات نشان دادند هر ورزشکاری که تجربهٔ دستیابی به موفقیت دارد یا میل شدید به موفقیت دارد، امکان دارد که از خرافات نیز استفاده کند؛ بنابراین، درواقع همیشه ورزشکار مبتدی به خرافات تمایل ندارد و این امکان برای ورزشکار حرفه‌ای که طعم موفقیت را چشیده است نیز وجود دارد و در موارد دیگر، گاهی به زعم ورزشکار تجربهٔ درست یا اشتباه استفاده از یک روش خرافی موجب موفقیت یا بهبود عملکرد وی می‌شود (دامیچ، ۲۰۱۰) که همین تجربه وی را در استفادهٔ مکرر از آن ترغیب می‌کند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود مربیان نظارت بیشتری بر نوع تحلیل فردی ورزشکار از موفقیت یا شکست داشته باشند تا ورزشکار آن را به موارد خرافی احتمالی ربط ندهد.

مفهوم رفتاری یا محتوایی شامل مواردی است که جزو ویژگی‌های فردی ورزشکار است و ارتباط کمتری با جامعه یا سازمان دارد. این مفهوم شامل هشت مقولهٔ ناامیدی، ذات، عادات، تهدیدها، ترس‌ها، علاقه، ویژگی‌های روانی و ضعف ورزشکار است.

ناامیدی و ترس جزو مقولات شناسایی‌شده در مفهوم رفتاری است که با نتایج پژوهش داویدیان و ساعدی (۱۹۶۵) همخوانی دارد. از نظر آنان ترس از شکست فرد را به‌سمت موارد غیرعقلانی و

ماورایی مانند خرافات سوق می‌دهد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد بی‌ارادگی و نبود قدرت تلاش و مبارزه (فروغی و عسگری مقدم، ۲۰۰۹) نیز که در میدان‌های ورزشی بسیار اتفاق می‌افتد، بتواند ورزشکار را به بهره‌گیری از خرافات سوق دهد. ترس می‌تواند شامل موارد متعددی باشد؛ از جمله ترس از آینده یا آنچه فرد از آن آگاهی ندارد یا تجربه برخورد با آن را نداشته است؛ چنانچه به باور مکارتنی (۱۹۵۲)، ترس از نیروهای توصیف‌نشده و پیش‌بینی‌نشده در محیط پیرامون انسان، خود را در قالب باورهای خرافی نمایان می‌کند که این امر در میدان‌های ورزش به‌خصوص در اولین مبارزه‌ها یا مسابقاتی که در شهر و کشورهای غیرخودی، مسابقات جدید، مسابقات با قوانین جدید و خیلی از مواردی که اولین برخورد برای ورزشکار و تیم ورزشی هستند یا ناشناخته‌اند، می‌تواند اتفاق افتد.

بنابراین، به نظر می‌رسد فقدان کنترل‌های شخصی ورزشکار یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سوق‌نیافتن ورزشکار در شرایط مختلف ورزشی است؛ زیرا، فقدان کنترل موجب ایجاد اضطراب و تهدیدهای رایج در ورزش می‌شود و این اضطراب در نهایت به شکل‌گیری رفتارهای خرافی منجر می‌شود (ماجیار و چیس، ۱۹۹۶؛ برگر و لین، ۲۰۰۵). گرایش به خرافات می‌تواند در هر لحظه‌ای روی دهد یا ورزشکار آن را کنترل کند؛ به‌صورتی که رفتارهای خرافی با القای ذهنی و توهم کنترل اوضاع و شرایط مسابقه، در واقع عوامل استرس و اضطراب ورزشکار را در آن وضعیت مهم مهار می‌کنند (ویلسون، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش زارع و همکاران (۲۰۱۷) با نتایج مطالعه حاضر مبنی بر تأثیر اضطراب و فشارهای روانی قبل از بازی بر میل ورزشکار به خرافات همسوست، اما نتایج پژوهش مونیوکوت (۱۹۹۸) با نتایج مطالعه حاضر همخوانی ندارد؛ زیرا، وی معتقد است اضطراب‌های قبل از مسابقات و رویدادهای ورزشی به‌هیچ‌وجه در گرایش ورزشکار به رفتارهای خرافی مرتبط نیست. او ورزشکار حرفه‌ای را دارای کنترل عاطفی و هیجانی می‌داند و خود را بی‌نیاز از توسل به خرافه برای تسلط بر اوضاع روانی‌اش می‌داند. به نظر می‌رسد شدت هیجان‌های روانی که ورزشکار را زیر فشار قرار دهند، در این امر مؤثر باشد؛ چنانچه زیوانویک و همکاران (۲۰۱۲) ادعان کرده‌اند که میزان فشارهای روانی ورزشکاران در زمین ورزش می‌تواند باعث گرایش آن‌ها به خرافات شود.

مفهوم ساختاری که به بررسی وضعیت نهادها و ساختارهای مرتبط با ورزشکار و پدیده ورزش می‌پردازد، با پنج مقوله ساختار ورزش، خانواده، رسانه‌ها، هواداران و عدم قطعیت شناسایی شد. یکی از مهم‌ترین مقولات شناسایی‌شده در مفهوم ساختاری، به عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن نتایج در ورزش اشاره دارد که می‌تواند گاهی برای یک ورزشکار جذابیت داشته باشد و گاهی برای وی چالش باشد. هر چند این مقوله خود سرآغاز مقولات دیگری از جمله استرس و اضطراب ناشی از

غیر کنترل بودن محیط ورزشی است که با نتایج پژوهش دموتورو و همکاران (۲۰۱۶) همخوانی دارد. در این زمینه بیکر (۱۹۷۵) ذکر کرده است که هیچ مسابقه‌ای به صورت کامل پیش‌بینی‌شدنی نیست و این امر موجب اضطراب و در پی آن رفتارهای خرافی توسط کنشگران ورزش می‌شود. اسپیر و همکاران (۲۰۰۶) نیز به نبود اطمینان به عنوان یکی از موارد گرایش به خرافات در ورزشکاران اشاره کرده‌اند. در واقع، شاید ورزش در دو قسمت ثابت (مهارت) و غیر ثابت (داوران، شرایط بازی و رقیب) شکل گرفته است که گرایش به خرافات در حوزه‌های استیصال ورزشکار و بخش غیر ثابت بروز می‌کند (برور^۱، دان، ناول و نیلز، ۲۰۱۱).

از دیگر مقولات شناسایی شده ساختار ورزش است که به نوع و موقعیت ورزش مرتبط است که می‌تواند در رواج خرافه‌گرایی مؤثر باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های مارانیس (۲۰۱۳) و پرکوس و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد. آن‌ها معتقدند موقعیت یک تیم و موقعیت یک بازیکن و حتی نوع ورزش در خرافه‌گرایی مؤثر است؛ به صورتی که در ورزش‌های انفرادی احتمالاً به علت ایجاد فشارهای روانی بر ورزشکار، میزان و میل او به خرافه‌گرایی بیشتر خواهد بود؛ البته برگر و لین (۲۰۰۵) به چنین رویکردی اعتقاد ندارند؛ چراکه تفاوتی در ورزش‌ها و میزان میل ورزشکاران به خرافات نیافته‌اند.

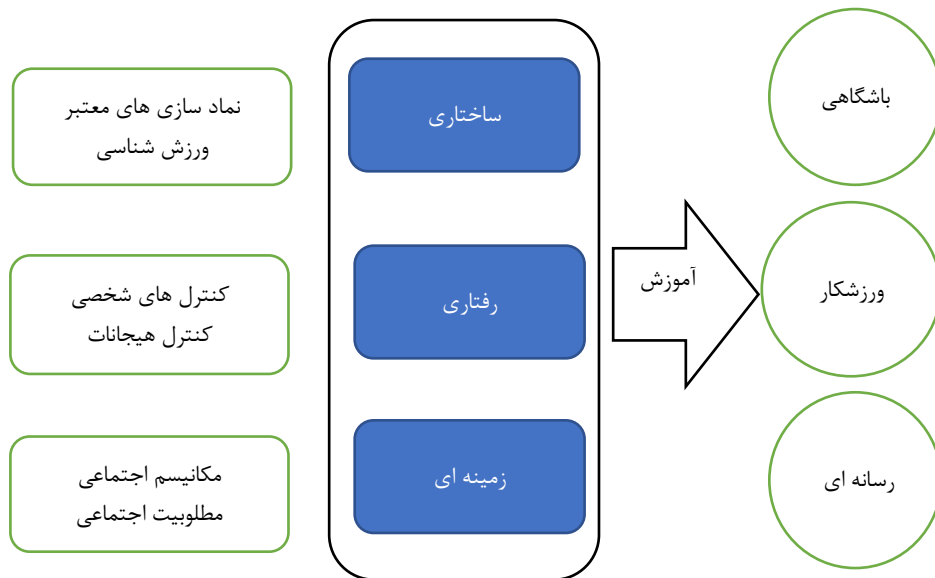
مقوله خانواده نیز به عنوان دیگر بنیان مؤثر شناسایی شد که به نظر می‌رسد کمتر پژوهشگری نقش آن را منکر می‌شود. سپهر و همکاران (۱۹۹۷) نیز به آن اشاره داشته‌اند و شیوع خرافات را مرتبط با وضعیت خانواده افراد دانسته‌اند. همچنین نوع و سبک زندگی خانواده از عوامل تأثیرگذار بر گرایش به خرافات است. خانواده به عنوان پایه‌گذار بنیان‌های فکری ورزشکار می‌تواند نقش مهمی در گرایش‌های فکری وی در آینده ایفا کند و این امر ناشی از سطح فرهنگ و تحصیلات، ارزش‌ها و باورهای خانواده است؛ چنانچه بوخاری و همکاران (۲۰۰۲) سطح تحصیلات خانواده را مؤثر دانسته‌اند. پلتزر و رنر (۲۰۰۱) ارتباط مؤثری بین تحصیلات خانواده و رفتارهای خرافه‌گری نیافته‌اند، ولی شاهنوشی (۲۰۱۰) گسترش سطح سواد خانواده و جامعه را به کاهش معنادار رفتارهای خرافی مرتبط می‌داند؛ هرچند اذعان کرده است، با این حال حتی پیشرفته‌ترین افراد نیز گاهی در دام خرافات خواهند افتاد.

رسانه‌ها از مقولات دیگر شناسایی شده در بروز خرافات بودند که با نتایج پژوهش‌های قاسمی (۲۰۰۷) و اینکلس و اسمیت^۲ (۱۹۷۴) همخوانی دارد و از چند منظر می‌توان به آن پرداخت. می‌توان اذعان کرد افرادی که بیشتر در معرض وسایل ارتباط جمعی هستند، کمتر دچار خرافات

1. Brevers, Dan, NoeL & Nils

2. Inkeles & Smith

می‌شوند (اینکلس و اسمیت، ۱۹۷۴)؛ زیرا، رسانه‌های جمعی با رویکردی صحیح می‌توانند در ارزش‌ها و رفتارهای درست و منطقی و به دور از خرافه‌گری ورزشکاران مؤثر باشند (زارع و حیدری‌نژاد، ۲۰۱۷، ۱۵)؛ در غیر این صورت خود رسانه‌ها دچار کژکارکردی و گاهی مروج خرافات و خرافه‌گری می‌شوند و معضل جدیدی را به وجود خواهند آورد. از کارکردهای رسانه، بهبود محیط ورزشی است و رسانه‌های جمعی نقش هشداردهندگی و افشاکندگی و از همه مهم‌تر، اطلاع‌رسانی شفاف برعهده دارند.



شکل ۱- مدل راهبردی کاهش خرافه‌گری در ورزش

Figure 2- Strategic Model for Reduce Superstition in Sport

درنهایت می‌توان گفت با توجه به بسترهای ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای در رواج خرافه‌گری در ورزش می‌توان مدلی را به‌صورت راهبردهای پیشنهادی منتج از یافته‌ها ارائه کرد (شکل شماره دو). همان‌طور که در شکل مشخص است، این راهبردهای کلی شامل آموزش است که در سطوح کلان و جزء جامعه، خانواده و باشگاه تا خود ورزشکار را در برمی‌گیرد. پیشنهاد می‌شود قوانین جامعه به‌سمت نمادگرایی ضدخرافات حرکت کند و همچنین جامعه به‌سمت شناخت ذات و هدف اساسی ورزش و مؤلفه‌های آن از جمله عدم قطعیت گام بردارد. در زمینه راهبردهای رفتاری نیز کنترل‌های شخصی و هیجانی معمولاً می‌توانند راهگشای بسیاری از انحرافات در ورزش از جمله گرایش به خرافات در نظر گرفته شوند که با حضور روان‌شناس یا مراجعه به فرهنگ مراجعه بهبود یابد.

مکانیسم‌های اجتماعی و مطلوبیت‌ها نیز حول محور زمینه‌ای ورزشکار را به اتکا به خود و قابلیت‌های واقعی سوق می‌دهند و او را از توکل بر موهومات رها خواهند کرد. به‌هرحال، مبارزه با خرافه‌گرایی را نمی‌توان با اتکا به یک سازمان یا وزارت حل کرد؛ زیرا، خرافه‌گرایی در فرهنگ کشور سابقه‌ای دیرینه دارد و این راهبردها می‌توانند پدیده و محیط‌های واقعی را اخلاقی‌تر کنند.

References

1. Azimzadeh, A. (1999). Return to Middle Eastern beliefs. *Chista Journal*, 164: 403-5. (in Persian).
2. Azizkhani, E., Ebrahimi, J., & Abtin, J. (2016). Investigating social factors affecting the attitude of superstitions (A case study of students at Azad University of Ardabil). *Sociology of Youth Studies*, 6(18), 53-4. (in Persian).
3. Becker, J. (1975). Superstition in sport. *International Journal of Sport Psychology*, 6, 148-52.
4. Berger, A. S. (2012). The evil eye: An ancient superstition. *Journal of Religion and Health*, 51(4), 1098-103.
5. Bleak, J., & Frederick, C. (1998). Superstitious behavior in sport: Levels of effectiveness and determinants of use in three collegiate sports. *Journal of Sport Behavior*, 1(21), 1-15.
6. Brevers, D., Dan, B., NoeL, X., & Nils, Frédéric. (2011). Sport superstition: Mediation of psychological tension on non-professional sportsmen's superstitious rituals. *Journal of Sport Behavior*, 34(1), 3-24.
7. Broch, T. B., & Kristiansen, E. (2014). The margin for error: Ritual coping with cultural pressures. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*, 24(5), 837-45.
8. Bukhari, S. S., Pardhan, A., Khan, A. S., Ahmed, A., Choudry, F. J., Pardhan, K., Nayeem, K., & Khan, M. (2002). Superstitions regarding health problems in different ethnic groups in karachi. Karachi: Baqai Medical University.
9. Burger, J. M., & Lynn, A. L. (2005). Superstitious behavior among American and Japanese professional baseball players. *Basic and Applied Social Psychology*, 2, 71-6.
10. Damisch, L., Stoberock, B., & Mussweiler, T. (2010). Keep your fingers crossed! How superstition improves performance. *Psychological Science*, 21(7), 1014-20.
11. Dastoom, S., Afroozeh, M. S., Jokar, M., & Afroozeh, H. (2017). Designing a model of sports sacred sanctity among student's athlete. *Research on Educational Sport*, 6(15), 117-38. (in Persian).
12. Davidian, H., & Saedi, G. H. (1965). Psychological superstitions. *Journal of Speech*, 16(1): 19-34. (in Persian).
13. Dömötör, Z., Ruíz-Barquín, R., & Szabo, A. (2016). Superstitious behavior in sport: A literature review. *Scandinavian Journal of Psychology*, 57(4), 368-82.
14. Dwyer, B., Slavich, M. A., & Gellock, J. L. (2018). A fan's search for meaning: Testing the dimensionality of sport fan superstition. *Sport Management Review*, 21(5), 533-48.

15. Flanagan, E. (2013). Superstitious ritual in sport and the competitive anxiety response in elite and non-elite athletes (Unpublished bachelor thesis). DBS School of Arts, Dublin, Ireland.
16. Forooghi, A., & Askari Moghadam, R. (2009). The study of the tendency toward superstitions in between Tehran citizens. *Strategic Quarterly*, 18(53), 161-91. (in Persian).
17. Foster, K. R., & Kokko, H. (2008). The evolution of superstitious and superstition-like behavior. *Proceedings of the Royal Society B: Biological Sciences*, 276(1014-1020), 31-7.
18. Ghasemi, H. (2007). Examining the role of mass media in the development of sports in the country (Unpublished doctoral dissertation). Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran, Tehran.
19. Griffiths, M. D., & Bingham, C. (2005). A study of superstitious beliefs among bingo players. *Journal of Gambling Issues*, 13(1), 95-107.
20. Hamerman, E. J., & Johar, G. V. (2013). Conditioned superstition: Desire for control and consumer brand preferences. *Journal of Consumer Research*, 40(3), 428-43.
21. Hamerman, E. J., & Morewedge, C. K. (2015). Reliance on luck: Identifying which achievement goals elicit superstitious behavior. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 41(3), 323-35.
22. Harimpanahi, R. (2002). Superstition, folk beliefs and mental health. *Life Talking Magazine*, 9, 36-8. (in Persian).
23. Inkeles, A., & Smith, D. (1974). *Becoming modern: Individual change in six developing countries*. Cambridge, Mass: Harvard University Press.
24. Irwin, H. J. (1985). A study of the measurement and the correlates of paranormal belief. *The Journal of the American Society for Psychical Research*, 79, 301-26.
25. Jageman, C., & Caldwell, T. L. (2014) Replication of the superstition and performance. *Social Psychology*, 45(3), 239-45.
26. Jahoda, G. (1970). *The psychology of superstition*, Penguin Books.
27. Langer, E. J. (1977). The psychology of chance. *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 7(2), 185-203.
28. Langer, E. J., & Roth, J. (1975). Heads I win, tails it's chance: The illusion of control as a function of the sequence of outcomes in a purely chance task. *Journal of Personality Social Psychology*, 32(6), 951-5.
29. Magyar, T. M., & Chase, M. A. (1996). Psychological strategies used by competitive gymnasts to overcome the fear of injury. *Journal of Technique*, 16(10), 1-5.
30. Malinowski, B. (1955). *Magic, science and religion*, New York: Doubleday Inc.
31. Maranise, A. M. J. (2013). Superstition & religious ritual: An examination of their effects and utilization in sport. *The Sport Psychologist*, 27(1), 83-91.
32. Matute, H. (1994). Learned helplessness and superstitious behavior as opposite effects of uncontrollable reinforcement in humans. *Journal of Learning Motivation*, 25(2), 216-32.
33. McCartney, E. S. (1952). The Superstition about literal and figurative separation of persons. *The Classical Journal*, 48(2), 74-6.

34. Mounicot, M. (1998). Superstition and pre-game anxiety among male and female soccer players at various levels of play (Unpublished master's thesis). McGill University, Montreal, Canada.
35. Ofori, P. K., Tod, D., & Lavallee, D. (2017). Predictors of superstitious beliefs. *Journal of Psychology in Africa*, 27(1), 1-12.
36. Peltzer, K. (2002). Paranormal beliefs and personality among black South African students. Available at: www.findarticle.com (Accessed 6 November 2019).
37. Peltzer, K., & Renner, W. (2001). Superstition, risk-taking and risk perception of accidents among South African taxi drivers. *Accident Analysis and Prevention*, 35(1), 619-23.
38. Perkös, S., Barkoukis, V., & Christopoulos, I. (2013). Superstitious beliefs and behaviours in sport: Association with locus of control, anxiety and demographic characteristics. *Inquiries in Sport & Physical Education*, 11, 20-31.
39. Safai, S., Taiyebinia, M., & Erfani, N. (2010). The study of sociological factors related to superstition. *Social Security Studies*, 1(21), 155-82. (in Persian).
40. Schippers, M. C., & Van Lange, P. A. M. (2006). The psychological benefits of superstitious rituals in top sport: A study among top sportspersons. *Journal of Applied Social Psychology*, 36(10), 2532-53.
41. Sepehr, M. (1997). A study of the particular examples of the causes and causes of incidence and the way to fight superstitions and moomamats of imam and propagation sacred spiritualism and appearance. Tehran: Tehran University Press.
42. Shahnoushi, M. (2009). Superstition and some of its causes and fields. *Social Sciences Journal*, 41: 101-16. (in Persian).
43. Storch, E. A., Storch, J. B., Welsh, E., & Okun, A. (2002). Religiosity and depression in intercollegiate athletes. *College Student Journal*, 36: 526-31.
44. Thalbourne, M. A., & Hensley, J. H. (2001). Religiosity and belief in the paranormal. *Journal of the Society for Psychical Research*, 65: 47-50.
45. Vyse, S. A. (1997). *Believing in magic: The psychology of superstition*. New York: Oxford University Press.
46. Wann, D. L., Grieve, F. G., Zapalac, R. K., End, C., Lanter, J. R., Pease, D. G., ..., & Oliver, KWallace, A. (2013). Examining the superstitions of sport fans: Types of superstitions, perceptions of impact, and relationship with team identification. *Athletic Insight: The Online Journal of Sport Psychology*, 5(1), 21-44
47. Wilson, S. M., Grieve, F. G., Ostrowski, S., Mienaltowski, A., & Cyr, C. (2013). Roles of team identification and game outcome in sport fan superstitious behaviors. *Journal of Sport Behavior*, 36(4), 417-29.
48. Womack, M. (1992). Why athletes need ritual: A study of magic among professional athletes. In Shirl Hoffman (Ed.) *Sport Religion*, Champaign, IL: Human Kinetics, 191-202.
49. Zare, A. R., & Heydarinejad, S. (2018). Relationship between the role of mass media and the emergence of supernatural behaviors among soccer players. *Educational Sciences and Psychology*, 5(18), 15-28. (in Persian).
50. Zare, A. R., Zare, H., & Emadi, M. (2017). Factors affecting superstition among iranian soccer players. *Management and Development of Sports*, 2(6), 32-46. (in Persian).

51. Živanović, N., Randelović, N., & Savić, Z. (2012). Superstitions and rituals in modern sport. *Activities in Physical Education & Sport*, 2(2), 220-4.
52. Zvan, M., Zenic, N., Sekulic, D., Cubela, M., & Lesnik, B. (2017). Gender- and sport-specific associations between religiousness and doping behavior in high-level team sports. *Journal of Religion and Health*, 56(4), 1348-60.

استناد به مقاله

افروزه، محمدصادق و هادی‌پور، مریم. (۱۳۹۹). شناسایی و تحلیل ابعاد گرایش به خرافات در حوزه ورزش: رهیافت مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد. *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۱۲(۶۲)، ۸۶-۶۵. شناسه دیجیتال: 10.22089/smrj.2020.7702.2657

Afroozeh, M. S., & Hadi Pour, M. (2020). Identification and Analysis the Dimensions of Tendency to Superstition in the Field of Sport: Foundation-Based of Grounded Theory Approach. *Sport Management Studies*, 12(62), 65-86. (in Persian). DOI: 10.22089/smrj.2020.7702.2657

Identification and Analysis the Dimensions of Tendency to Superstition in the Field of Sport (Foundation-Based of Grounded Theory Approach)

M. S. Afroozeh¹, M. Hadi Pour²

1. Assistant Professor of Sports Management, Department of Sports Science, Jahrom University, Iran (Corresponding Author)

2. M. Sc Student of Sport Management, Department of Sports Science, Jahrom University, Iran

Received: 2019/07/21

Accepted: 2020/01/08

Abstract

Today, superstition has been criticized by researchers as one of the social deviations, and sport has not been immune from the propagation of superstition as an important social phenomenon with an unpredictable nature. Since superstition is one of the most common problems in modern sport, the purpose of this study was to identify the dimensions of tendency toward superstitions in Iranian sport. The exploratory approach was conducted qualitatively and grounded theory method was used. Firstly, by identifying the effective factors in the library of the Preliminary List, semi-structured interviews were conducted with 15 knowledgeable experts. For data analysis, logic inductive method was used during three open, axial and selective coding stages. After interviewing the experts, the results in open coding indicate that 83 codes were identified in superstitions in Iranian sports. Then at the axial coding stage, the tags were categorized in 22 concepts. Finally, 3 identified components derived from selective coding including structural, contextual, and behavioral categories were classified. It seems that there is no definite strategy for communicating with superstitions in sport, and in addition to training at all three levels of macro, middle, and wisdom, there is a need for social mechanisms, the creation of desirability and the use of non-homogeneous symbols and ultimately self-development Athlete's mental and emotional aspects.

Keywords: Behavioral, Contextual, Sport, Structural, Superstition.

1. Email: Sadegh.afroozeh@jahromu.ac.ir

2. Email: Maryamhadipour.pt@gmail.com